

بررسی تطبیقی گزاره‌های زیست‌محیطی در قرآن و مزامیر عهد عتیق

f.hajiakbari@kub.ac.ir

فاطمه حاجی اکبری / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر بجنورد
 مجتبی شکوری / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر بجنورد
 دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸

چکیده

آسیب‌های مختلف محیط زیستی موجب شده است تا اندیشوران ادیان مختلف به‌منظور جلوگیری از فاجعه جهانی محیط زیست، در آموزه‌های دینی به‌صورت عمیق‌تری تفکر و واکاوی کنند. در میان آموزه‌های ادیان توحیدی، گزاره‌های اخلاقی متعددی در مقام حفظ و حراست محیط زیست وجود دارد که در بین آنها، «طبیعت» به‌مثابه نماد و نشانه‌ای از خالق خود، آفرینشی هدفمند و بی‌عیب‌ونقص دارد که گویای رحمت پروردگار در مسخر و رام کردن هستی برای انسان است. این مطالعه با تمرکز بر قرآن و کتاب مزامیر عهد عتیق، در پی کشف و استخراج بن‌مایه‌های مشترک محیط زیست طبیعی است. یافته‌های این تحقیق، حاکی از آن است که بین قرآن کریم و مزامیر داود، از سه منظر هستی‌شناسی، رابطه طبیعت با خداوند، و رابطه انسان با طبیعت، بن‌مایه‌های مشترک فراوانی وجود دارد. صلاح یا فساد، دو راهی است که در مواجهه با طبیعت، فراروی بشر نهاده شده است تا با انتخاب اصلاحگری، زمین را به ارت برند یا به‌سبب فساد در زمین، به سرگذشت پیشینان این راه دچار شده، گرفتار عذاب و خشم طبیعت شوند. بر اساس نتایج به‌دست آمده، در برخی موارد، علاوه بر اشتراک در مضامین، در عبارت‌ها نیز میان قرآن و مزامیر همانندی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، کتاب مزامیر، محیط زیست طبیعی، قداست، وحدت ادیان الهی.

بحران محیط زیست چالش بزرگی فراروی همه انسان‌ها قرار داده است. این چالش، موقعیت ویژه‌ای برای دانشوران ادیان ایجاد کرده است تا بتوانند یک بار دیگر از نو به اظهار نظر درباره نظام طبیعت - که از زمان پیدایش علوم جدید رو به افول گذاشته است - بپردازند. این چالش، درعین حال مسئولیت تبیین ماهیت قدسی آفرینش را رویاروی ایشان قرار داده است تا نجات زمین را مشروط به امید دستیابی به آسمان نکنند (نصر، ۱۳۹۳، ص ۸۲۰).

بحران‌های مختلف محیط زیست طبیعی، به‌ویژه در چند دهه اخیر - که به‌صورت گرم‌تر شدن زمین، انهدام لایه ازن، انقراض گونه‌های مختلف حیوانات، سیل‌های ویرانگر، از میان رفتن گیاهان گوناگون، و... بروز کرده - موجب شده است که بسیاری از علمای ادیان مختلف دوباره درباره رابطه عمیق میان دین و نظام طبیعت به تفکر بنشینند؛ حتی پیشگامان و سخنگویان مکتب دین‌زدایی نیز اکنون از اهمیت دین در جلوگیری از فاجعه جهانی محیط زیست - که در نهایت به نابودی انبای بشر خواهد انجامید - داد سخن می‌دهند. برخی از متفکرین، آموزه‌های ادیانی چون دین مسیحیت مبنی بر برتری انسان را عامل تخریب محیط زیست دانسته‌اند و برخی دیگر به‌عکس، ادیان را حائز نقش محوری در محافظت از محیط زیست قلمداد کرده‌اند (فهمی و مشهدی، ۱۳۹۴، ص ۶۴). مطالعه و بررسی ادراک دینی از طبیعت فراتر از مرزهای ادیان گوناگون، درعین حال امکان غنی‌تر ساختن متقابل ادیان را فراهم می‌سازد یا این امکان را فراهم می‌آورد که برخی از ادیان از طریق تماس با یک سنت زنده دیگر، جنبه‌هایی از میراث فراموش شده‌شان را به‌یاد آورند (نصر، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

در این میان، آنچه ضروری می‌نماید این است که علمای ادیان ضمن تأکید بر اخلاق زیست‌محیطی، بر استخراج دانش و آگاهی‌هایی مبتنی بر آموزه‌های درونی ادیان بپردازند تا در پرتو آن، هم اهمیت و ضرورت رفتار اخلاقی با دیگر موجودات را تبیین کنند و هم پیوند مخلوقات دیگر در سرنوشت نهایی و معنوی انسان را متذکر شوند. همچنین مطالعات تطبیقی میان آموزه‌های ادیان الهی می‌تواند باب جدیدی برای یافتن گفتمان‌های مشترک میان ادیان الهی در حوزه‌هایی چون حوزه محیط زیست بگشاید. از این‌رو هدف این مطالعه، بررسی تطبیقی نگرش‌ها و باورهای مندرج در کتب آسمانی قرآن و مزامیر داود^{علیه السلام} درباره حوزه محیط زیست طبیعی و یافتن گفتمان‌ها و جنبه‌های مشترک میان آموزه‌های این دو کتاب آسمانی برای گشودن دریچه گفت‌وگوهای بین‌الادیانی در این حوزه خاص است.

بررسی مسائل زیست‌محیطی با رویکردی قرآنی، روایی یا عهدینی، بدون پیشینه نیست. برای نمونه، می‌توان به مقاله‌هایی نظیر «محیط زیست و بحران آن؛ رویکردی قرآنی» (جهانگیر، ۱۳۹۰)، «دین یهود و مسائل زیست‌محیطی» (انصاری، ۱۳۹۱) و «پاسداری از محیط زیست در آیات و روایات» (زرزوانی و خداجویان، ۱۳۸۴) اشاره کرد. همچنین پایان‌نامه‌هایی مانند *بررسی تطبیقی ارزش‌های اخلاق اجتماعی در قرآن و عهدین* (شایانی، ۱۳۹۲) و مقاله مستخرج از آن (معارف و شایانی، ۱۳۹۴) نگاشته شده‌اند که در آنها به‌صورت خلاصه به

اخلاق زیست‌محیطی در ادیان ابراهیمی اشاره شده است. همچنین کتب متعددی به بررسی الگوی دینی ارتباط انسان با هستی پرداخته‌اند. نگاهی اجمالی به آثار موجود در این حیطه نشان می‌دهد که بیشتر آنها از زاویه اخلاق زیست‌محیطی برای استخراج گزاره‌های دینی به پژوهش پرداخته و کلی بوده‌اند. آنچه این پژوهش را از دیگر آثار موجود متمایز می‌کند، در وهله نخست، بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های مشترک محیط زیست طبیعی میان قرآن و مزامیر عهد عتیق بوده که تا کنون بی‌سابقه است. همچنین اهتمام بیشتر این پژوهش، تأکید بر قداست و معنویت طبیعت و بازبینی رابطه انسان و محیط زیست بوده است. بر این اساس، در این جستار به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای این پرسش‌ها بوده‌ایم: بن‌مایه‌های مشترک محیط زیست طبیعی در قرآن و مزامیر به چه صورت است؟ چه اشتراکات و احیاناً تمایزاتی میان آنها وجود دارد؟

۱. آشنایی با مزامیر داود^۱

مزامیر یا زبور حضرت داود^{علیه السلام} (۱۰۱۵-۱۰۸۵ ق.م) مجموعه‌ای از شعر و سرود با مضمون نیایش، پرستش و توکل بر خداوند است که بسیاری از مفاهیم ۱۵۰ باب آن از نظر پرداختن به مباحث الوهی و آموزه‌های وحیانی، قابل انطباق با مضامین قرآن و احادیث است.

۱-۱. منبع وحیانی مزامیر

بیشتر آثار روایی در بخش کتاب مقدس عبری، صورت نهایی خود را در قرن ششم ق.م. یا بعد از آن یافته‌اند. بنا بر سنت یهودیان، عزرائی کاتب و دیگر اعضای انجمن کبیر قانون‌گذاری (کنست هگدولا)، کتب مقدس یهود را که در طی دوره تقریباً نهصدساله (از زمان حضرت موسی^{علیه السلام} در قرن سیزدهم ق.م. تا پس از اسارت بابلی در قرن پنجم ق.م.) به صورت مکتوب و شفاهی برجای مانده بود (حیدری و حاجی‌اکبری، ۱۳۹۳، ص ۵۰)، در مجموعه ۳۹ بخشی تورات، نبوت و حکمت، به این ترتیب تنظیم و ارائه کردند: ۱. پنج بخش تورات (تکوین، خروج، لاویان، اعداد، تنبیه)؛ ۲. چهار بخش انبیای نخستین (یوشع، داوران، سموئیل اول و دوم، پادشاهان اول و دوم)؛ ۳. پانزده بخش انبیای متأخر (اشعیا، ارمیا، حزقیال، هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکا، ناحوم، حقوق، صنفیا، حجی، زکریا و ملاکی)؛ ۴. یازده جلد کتوبیم؛ شامل: مزامیر، امثال سلیمان، ایوب، غزل غزل‌ها، روت، مراثی، جامعه، استر، دانیال، عزرا، نحمیا و تواریخ ایام یک و دو (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۱۱-۱۲). در نگاه یهودیان سنتی، همه متون یادشده آسمانی‌اند؛ با این تفاوت که پنج جلد تورات دیکته‌شده از سوی خداوند به موسی است؛ هشت جلد انبیا، در رؤیا به انبیا وحی شده است، ولی با نگارش انبیاست؛ و یازده جلد کتوبیم در بیداری با قدرت روح هقودش (روح‌القدس) نگاشته شده‌اند.

کتاب تهلیلیم (مزامیر) در زمرة کتوبیم، یعنی «با الهام نوشته شده» از مجموعه سه گانه تَنخ (تورات، نوییم، کتوبیم) جای گرفته است. بر این اساس، هرچند که در کتب انبیا، خدا با انسان ها سخن می گوید، در کتوبیم از جمله تهلیلیم (مزامیر)، انسان ها با خدا سخن می گویند و درعین حال، این سخنان را خدا بر زبان آنان جاری می گرداند.

۱-۲. مقام حضرت داود^{علیه السلام} در متون اسلامی

نام حضرت داود^{علیه السلام} شانزده مرتبه در سوره های بقره، انبیا، نمل، سبأ و ص ذکر شده است. در این آیات، سیمای انسانی ملکوتی ترسیم شده است که از نظر ویژگی ها در درجه بسیار بالایی قرار دارد و کمتر پیامبری به این پایه از مقام رسیده است. از نظر قرآن، داود^{علیه السلام} انسانی است که خدا به او مقام نبوت و کتابت ارزانی داشت (نساء: ۱۶۳)؛ با علم و حکمت همراه ساخت (بقره: ۲۵۱)؛ هنر و صنعت به او آموخت (انبیا: ۸۰)؛ فرزند صالح و برومند عطا فرمود (ص: ۳۰)؛ حکومت و فرمانروایی به او بخشید (ص: ۱۷-۲۰)؛ از نظر قدرت و توانایی به درجه ای رسید که آهن در دست او نرم شد (سبا: ۱۰) و طبیعت مسخر او گشت (انبیا: ۷۹) (حیدری و حاجی اکبری، ۱۳۹۳، ص ۵۲).

امام علی^{علیه السلام} در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه، داود^{علیه السلام} صاحب کتاب مزامیر را الگوی کار برای امرار معاش معرفی کرده است: «از داود^{علیه السلام} که صاحب مزامیر و زبور بود و خواننده اهل بهشت است، پیروی کن. به دست خود از لیف خرما زنبیل ها می بافت و به همنشینان خود می گفت: کدام یک از شما در فروختن آنها مرا کمک می کند؟ و از بهای آنها، خوراک او یک دانه نان جو بود» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۷).

۲. بن مایه های مشترک زیست محیطی در قرآن و مزامیر

گزاره های دینی از منابع مهم شناخت طبیعت و اخلاقیات مربوط به آن به شمار می رود. با توجه به شباهت های مضمونی مزامیر و قرآن، در ادامه، این اشتراکات مضمونی و محتوایی، با نگرش های هستی شناختی و رابطه شناختی دسته بندی و تبیین می شوند.

۱-۲. از منظر هستی شناختی

در قرآن کریم و مزامیر داود، عبارات و اشاراتی دیده می شود که می توان از آنها نحوه نگرش به هستی از نظر ادیان اسلام و یهودیت را دریافت. در این کتاب های آسمانی، به جنبه هایی از طبیعت و محیط زیست اشاره شده است که باور عمیق به این معارف را می توان زمینه ساز برقراری رابطه ای مناسب با طبیعت توسط انسان ها قلمداد کرد. در ادامه، نمونه هایی از این گزاره های هستی شناختی معرفی می شود:

۱-۲. شعورمندی هستی

یکی از مهم ترین مفروضاتی که در حوزه شناخت هستی، اشاره های صریح به آن، هم در قرآن کریم و هم در مزامیر دیده می شود، شعورمندی تمامی موجودات زمینی و آسمانی است. آیات متعددی از قرآن کریم را می توان به عنوان

شاهدی بر این موضوع ذکر کرد. برای نمونه، در آیه ۲۴ سوره بقره، خداوند متعال سنگ‌ها را دارای شعور معرفی می‌کند و درباره برخی سنگ‌ها می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ». در آیه ۲۱ سوره حشر، کوه به‌عنوان پدیده‌ای مهم و تأثیرگذار بر محیط زیست و نماد صلابت و استواری، دارای شعور و توانایی درک تجلی قدرت خداوند متعال قلمداد شده است: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ». نظیر همین مضمون درباره کوه، در مزامیر هم وجود دارد: «کوه‌ها از حضور خداوند، مثل موم گداخته می‌شود؛ از حضور خداوند تمامی جهان، آسمان‌ها عدالت او را اعلام می‌کنند و جمیع قوم‌ها جلال او را می‌بینند» (کتاب مزامیر ۹۷: ۵-۶).

همچنین در برخی از آیات مربوط به رستاخیز و حیات دوباره انسان‌ها، همچون آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (زلزال: ۴). مشابه این مضمون در باب تحدیث خاک در مزامیر از این قرار است: «در خون من چه فایده است، چون به حفره فرو روم؟ آیا خاک تو را حمد می‌گوید و راستی تو را اخبار می‌نماید؟» (مزامیر، ۹: ۳۰). نیز بارقه‌هایی از إشعار به شعورمندی زمین به‌عنوان محملی برای ایجاد و بالندگی طبیعت، درک می‌گردد.

۲-۱-۲. زیبایی محیط زیست

یکی از جنبه‌هایی که در متون آسمانی، به‌ویژه قرآن کریم و مزامیر حضرت داود علیه السلام بدان اشاره شده، جنبه زیبایی‌شناختی هستی و محیط زیست است. قرآن کریم آموشد چهارپایان برای چرا «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْبِحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ» (نحل: ۵-۶)، رنگ‌ها و اشکال مختلف گیاهان «وَأَنْتُمْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ بِهِيجٌ» (حج: ۵) و رنگ‌های خاص برخی از حیوانات «إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظَّارِينَ» (بقره: ۶۹) را زیبا و مایه سرور قلبی انسان‌ها برشمرده است. نظیر این تعابیر در مزامیر داود نیز مشاهده می‌شود؛ آنجا که گله چهارپایان را مایه آراستگی مرغزارها، و خوشه‌های غلات را مایه پیراستگی دره‌ها معرفی می‌کند (مزامیر، ۶۵: ۱۳). همچنین حضرت داود علیه السلام در چند جای مزامیر، کوه صهیون را با صفت زیبایی می‌ستاید (مزامیر، ۴۸: ۲؛ ۵۰: ۲).

۲-۲. از منظر رابطه محیط زیست با خداوند

یکی از اهداف قرآن کریم و مزامیر، هنگامی که درباره محیط زیست و طبیعت پیرامون انسان صحبت می‌کنند، تبیین رابطه بین موجودات هستی و خداوند متعال به‌عنوان خالق هستی است. این رابطه در محورهای مختلفی معرفی می‌گردد.

۲-۲-۱. تسبیح خداوند توسط موجودات هستی

از منظر قرآن کریم، همه موجودات هستی خداوند را تسبیح می‌کنند و او را منزه می‌شمارند. برای نمونه، در سوره اسراء که یکی از سور مسبحات است، به تسبیح خداوند توسط آسمان‌های هفت‌گانه، زمین و هر آنچه در این دو هست، اشاره گردیده و تأکید شده است که انسان‌ها قادر به درک این نوع از تسبیح نیستند: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِّحُ

يَحْمَدُهُ وَ لَكِنْ لَاتَفْقَهُوا تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء: ۴۴). علامه طباطبائی ذیل این آیه به تبیین حقیقت تسبیح و تنزیه خداوند می‌پردازد و عنوان می‌کند که حقیقت تسبیح، منزّه دانستن خداوند است از شریک و هر آنچه لایق شأن الوهی و ربوبی او نیست. همچنین وی تأکید می‌کند، الفاظ و کلماتی که انسان‌ها برای بیان تسبیح استفاده می‌کنند، با اصل و حقیقت تسبیح مغایرند و صرفاً دال‌هایی هستند که بر تسبیح حقیقی - که در کنه ضمیر انسان است - دلالت می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۵۵).

علاوه بر بیان موضوع تسبیح خداوند توسط موجودات هستی در بسیاری آیات از قرآن (نور: ۴۱؛ حشر: ۱؛ حج: ۱۸؛ صف: ۱؛ حدید: ۱؛ تغابن: ۱)، در برخی آیات، از سجده موجودات به درگاه خداوند سخن به میان آمده است. برای مثال، در سوره نحل تبیین شده است که همه موجودات در آسمان‌ها و زمین، اعم از جنندگان و فرشتگان، در برابر شکوه و عظمت درگاه الهی به سجده درمی‌آیند و هیچ یک از موجودات، از اعلام خضوع در برابر خداوند استنکاف و استکبار نمی‌ورزد: «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (نحل: ۴۹). در سوره حج نیز ضمن تأکید بر خضوع تمامی موجودات در برابر خداوند متعال، از سجده خورشید، ماه، ستارگان، کوه‌ها، درختان، جنندگان و بسیاری از انسان‌ها در برابر عظمت درگاه الهی سخن به میان آمده است (حج: ۱۸). در آیات دیگر، از مؤلفه‌های طبیعی موجودات، همچون سایه آنها (نحل: ۴۸؛ رعد: ۱۵) و غرش آدرخش (رعد: ۱۳)، برای توصیف کیفیت تسبیح استفاده شده است. در برخی از آیات نیز تسبیح خداوند مشخصاً به کوه‌ها (ص: ۱۸؛ سبأ: ۱۰) و پرندگان (انبیاء: ۷۹) نسبت داده شده است.

از سوی دیگر، در مزامیر داود - که خود سرودی است برای تسبیح و حمد الهی - ۷۵ بار به تسبیح خداوند اشاره شده است که در کنار بیشتر این تسبیحات - که روایتی است از ضمیر حضرت داود علیه السلام - آیاتی چند را می‌توان یافت که حاکی از تسبیح خداوند توسط موجوداتی غیر از انسان‌هاست. در آیه ۳۴ فصل ۶۹ مزامیر، به تسبیح برخی از این پدیده‌های طبیعی اشاره شده است: «آسمان و زمین او را تسبیح بخوانند؛ آب‌ها نیز و آنچه در آنها می‌جنبند» (مزامیر، ۶۹: ۳۴). همچنین فصل ۱۴۸ مزامیر کاملاً به تسبیح خداوند توسط موجودات هستی اختصاص یافته که در آن از تسبیح پدیده‌هایی چون آسمان‌ها، فرشتگان، خورشید، ماه، ستارگان، افلاک، آب‌های کهکشانی، نهنگ‌ها، اقیانوس‌ها، آتش، تگرگ، برف، مه، تندباد، کوه‌ها، تپه‌ها، درختان، سروها، حیوانات وحشی و اهلی، خزندگان و پرندگان سخن به میان آمده است.

۲-۲-۲. آفرینش طبیعت، موجب حمد و ستایش خداوند

در هر دو کتاب آسمانی مورد بررسی، خداوند متعال به دلیل آفرینش هستی و جان‌بخشی به موجودات، شایسته حمد و ستایش معرفی می‌شود. در واقع، آفرینش طبیعت و وابسته‌سازی حیات انسان به موجودات طبیعی، بهانه‌ای است برای شکرگزاری و ستایش خالق متعال. از این‌رو، این حقیقت که خداوند مرکز اصلی حیات است و فقط اوست که

به همه جانداران حیات می‌بخشد و هر چیزی را از عدم خلق می‌کند، در هر دو کتاب آسمانی، به‌ویژه قرآن، به کرات گوشزد شده است (رک: مک اولیف، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۱۴). در برخی آیات، خداوند به‌عنوان آفریننده آسمان‌ها و زمین و قراردهنده نور و تاریکی، شایسته ستایش معرفی شده است (انعام: ۱؛ لقمان: ۲۵). در آیات دیگر، بارش باران نیز دلیلی بر ستایش خداوند دانسته شده است (عنکبوت: ۶۳؛ شوری: ۲۸). در برخی آیات نیز شأن ربوبی خداوند و پرورش عوالم و جهانیان توسط او، بستری برای ستایش خداوند معرفی شده است (حمد: ۲؛ صافات: ۱۸۲؛ جاثیه: ۳۶). در مزامیر داود^{علیه السلام} نیز همین حالت مشاهده می‌شود و خداوند متعال به‌واسطه آفرینش موجودات و فراهم‌سازی بستر حیات برای انسان‌ها در روی کره زمین، شایسته حمد و ستایش معرفی می‌شود. فصل ۱۳۶ مزامیر، از این نظر نمونه‌ای روشن و گویاست. در این فصل، حضرت داود^{علیه السلام} مخاطبین خود را به ستایش خداوند فرا می‌خواند و دلیل این امر را آفرینش آسمان‌ها، خورشید، ماه و ستارگان و گسترانیدن زمین بر روی آب‌ها توسط خداوند عنوان می‌کند (مزامیر، ۱۳۶: ۲-۱۰). همچنین در جای دیگر، خداوند را به‌واسطه مهیا ساختن باران بر زمین، رویاندن گیاهان در کوه‌ها، آذوقه دادن چهارپایان، بارش برف، آب شدن یخ‌ها، وزش باد و جاری شدن آب‌ها، شایسته ستایش و حمد می‌خواند (مزامیر، ۱۴۷: ۷-۱۸).

۲-۲-۳. آفرینش طبیعت نشانه‌ای از وجود خدا و یگانگی او

یکی دیگر از زمینه‌هایی که باعث می‌شود محیط زیست طبیعی و موجودات زمینی شایستگی یادکرد در کتب مقدس را بیابند، شأن دلالتی این موجودات بر وجود آفریننده و یگانگی اوست. آیات فراوانی از قرآن کریم به این جنبه اشاره دارند. در آیات قرآن کریم، پدیده‌های طبیعی و مؤلفه‌های مربوط به آن، چون نظم موجود در کیهان (انبیاء: ۲۲؛ ملک: ۳-۴)، آفرینش آسمان‌ها و زمین، بارش باران، روییدن گیاهان، استحکام و استواری زمین، جاری شدن رودها و استقرار کوه‌ها (نمل: ۶۰-۶۱) نشانه‌هایی مبنی بر وجود و یگانگی ذات ربوبی دانسته شده‌اند. در حقیقت، محیط زیست محل تجلی و ظهور خداوند است و طبیعت و زیبایی‌های آن رخ‌های خداوند.

۲-۲-۴. تسلیم بودن محیط زیست در برابر فرمان خدا

در منظومه مضامین کتاب‌های مقدس قرآن و مزامیر، تمام هستی تحت اختیار خداوند است و او به‌عنوان قادر مطلق، اراده خود را در عوالم و موجودات طبیعی و فراطبیعی به منصه ظهور می‌رساند. خداوند، این خلقت عظیم و اعجاب‌آمیز و شکوهمند را به حال خود رها نکرده؛ بلکه پیوسته به پرورش و هدایت آن مشغول است: «رَبَّنَا أَلْذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰). او بر همه هستی احاطه دارد (نساء: ۱۲۶) و همه موجودات، خواسته یا ناخواسته، تحت حاکمیت و فرمان‌برداری او قرار می‌گیرند (مریم: ۹۳؛ آل عمران: ۸۳). در مزامیر نیز کل موجودات زمین و انسان‌های ساکن در آن، تحت سیطره و حاکمیت خداوند معرفی می‌شوند (مزامیر، ۲۴: ۱-۲).

طبیعت و عناصر آن مورد عنایت ویژه کتاب الهی است. با اینکه نظم فعلی جهان حاصل تقدیر و مشیت ویژه خداوند است (انبیاء: ۱۶؛ فرقان: ۲؛ قمر: ۴۹)، اما در قرآن تصریح شده که هرگاه خداوند متعال اراده کند، می‌تواند این نظم را برهم زند و تدبیری دیگر اتخاذ کند (مؤمنون: ۱۸). در مزامیر نیز به اراده مطلق خداوند در آفرینش جدید و ایجاد نظمی دیگر در جهان اشاره شده است (مزامیر، ۱۸: ۸-۱۶).

۲-۳. از منظر رابطه انسان‌ها با محیط زیست

یکی از مهم‌ترین بن‌مایه‌های مضمونی کتب مقدس درباره محیط زیست، تبیین و تشریح نحوه رابطه انسان با محیط زیست است. در ادامه به چند مورد از مهم‌ترین دستورالعمل‌ها و نگرش‌ها در خصوص کیفیت رابطه انسان‌ها با طبیعت، که در قرآن و مزامیر بدان پرداخته شده است، اشاره می‌شود.

۱-۳-۲. تفکر و تعقل در هستی و درس‌آموزی از آن

در آموزه‌های اسلامی، طبیعت یکی از ابزارهای شناخت به‌شمار می‌رود. از این رو بسیاری از آیات قرآن کریم بیانگر توجه به طبیعت به‌عنوان آیات (نشانه‌های علم و قدرت) الهی، ابزار شناخت، تذکر و تفکر در حکمت هستی‌اند. دامنه این نگرش، به روایات اسلامی نیز کشیده شده است؛ برای نمونه، از امام رضا^{علیه السلام} نقل شده که بهترین عبادت، تفکر درباره امر و خلقت خداوند متعال است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۱۴۲).

قرآن کریم تمامی مخلوقات خداوند در آسمان‌ها و زمین را نشانه‌های الهی معرفی می‌کند و با دعوت به نگرستن به آنها و صرف وقت برای تأمل و تفکر درباره آنها، از این حیث جایگاه ویژه‌ای برای طبیعت و محیط زیست در منظومه فکری اسلامی قائل می‌شود: «قُلْ اَنْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ» (یونس: ۱۰۱). آب باران و رشد گیاهان به‌واسطه آن، یکی دیگر از بسترهای تفکر و تذکر معرفی شده است: «يُنَبِّئُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعِ وَالزَّيْتُونِ وَالنَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ آيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۱۱). در آیات دیگر، نظام زوجیت در طبیعت و قدرت تسخیر چهارپایان و سوار شدن بر آنها، نمونه‌های تأمل‌برانگیز و تذکرمند خوانده شده‌اند «وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ * لَيْسَتْ بِلَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ فَتَلْبَسُوا عَلَيَّ ظُهُورَهُ ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ» (زخرف: ۱۳).

در مزامیر نیز صنایع و آفریده‌های خداوند به‌عنوان مظهر خلاقیت و قدرت او، شایسته تفکر و تذکر قلمداد شده‌اند: «و در جمیع کارهای تو تأمل خواهم کرد و در صنعت‌های تو تفکر خواهم نمود» (مزامیر، ۷۷: ۱۲). حضرت داود^{علیه السلام} مخاطب خود را به تأمل و تفکر در آفریده‌های خداوند و شگفتی‌های هستی دعوت می‌کند: «او را بسرایید؛ برای او تسبیح بخوانید؛ در تمام کارهای عجیب او تفکر نمایید» (مزامیر، ۱۰۵: ۲).

در همین راستا در هر دو کتاب، انسان‌هایی که بدون تفکر از کنار پدیده‌ها می‌گذرند و به فهم عمیق از حقایق جهان هستی اهمیت نمی‌دهند، به چهارپایان تشبیه شده‌اند: «وَلَقَدْ دَرَأْنَا لِحَبَشِهِمْ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ

لَا يَفْقَهُونَ بَهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ...» (اعراف: ۱۷۹)، «انسانی که در حرمت است و فهم ندارد، مثل بهایم است که هلاک می‌شود» (مزامیر، ۴۹: ۲۱).

۲-۳. رام شدن و تسخیر هستی برای انسان

همان‌گونه که در مسیحیت و دین یهود می‌بینیم، در اسلام نیز موضوع مسئولیت انسان در مقام خلیفه‌الله فی الأرض (بقره: ۳۰) و آینه انعکاس نشانه‌های قدرت الهی و پیوسته در حال حمد خداوند، مکرراً مطرح می‌شود.

علمای تلمود، احکامی چون به انقیاد خود درآوردن زمین (کتاب آفرینش، ۲۸: ۱) را به مفهوم سلطه کامل بر آن تفسیر نمی‌کردند زیرا انسان را در عین حال حافظ و نگهدارنده عالم طبیعت می‌دانستند. بنابراین، دین یهود از سویی مخالف سلطه بر طبیعت و انهدام آن است؛ و از سوی دیگر با حفاظت از طبیعت بدون هیچ‌گونه دخالت در آن نیز مخالف است. دین یهود خواهان حفاظت طبیعت است؛ اما همیشه به خاطر دارد که عالم، نه متعلق به انسان، بلکه - چنان که در کتاب مقدس نیز تأکید شده - از آن خداوند است: «زمین و هر آنچه در آن است، جهان و همه ساکنان آن، از آن خدایند» (مزامیر، ۲۴: ۱). از نظر دانشمندان یهودی، ما ساکنان موقت خداوند در جهان آفرینشیم و هیچ‌گونه حق تملک در آن نداریم. تعطیلات سبت، خود حاکی از خلافت آفرینش خداست؛ زیرا نشانگر دوره‌ای است که چیزی به دست بشر خلق نمی‌شود؛ هیچ چیز از بین نمی‌رود و بشر از همه نعمات طبیعی برخوردار می‌شود (نصر، ۱۳۹۳، ص ۸۱۰).

از نظر قرآن کریم، هستی به امر خداوند به تسخیر بشر درآمده است تا بدین وسیله زمینه مناسب برای استمرار معاش و زندگی، و به تبع آن آزمایش او در دنیا فراهم شود: «وَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ» (جاثیه: ۱۳؛ لقمان: ۲۰). در آیات دیگر، به تسخیر دریاها، رودخانه‌ها، خورشید و ماه و شب و روز برای انسان اشاره شده است (ابراهیم: ۳۲-۳۳؛ جاثیه: ۱۲؛ لقمان: ۲۹). در برخی آیات، خداوند متعال تصریح می‌کند که موجودات زمینی را برای انسان‌ها آفریده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (بقره: ۲۹)؛ «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (رحمن: ۱۰).

در مزامیر نیز به موضوع تسلط انسان‌ها بر مخلوقات خداوند بر روی زمین پرداخته شده است: «پس انسان چیست که او را به یاد آوری، و بنی آدم که از او تفقد نمایی؟ * او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی * او را بر کارهای دست خود مسلط نمودی، و همه چیز را زیر پای وی نهادی * گوسفندان و گاوان جمیعاً، و بهایم صحرا را نیز * مرغان هوا و ماهیان دریا را، و هر چه بر راه‌های آنها سیر می‌کند» (مزامیر، ۸: ۵-۹). اینکه خلقت بسیاری از موجودات با هدف خدمت به انسان و فراهم کردن موجبات زیست او بوده، موضوع دیگری است که در مزامیر بدان اشاره شده است «مزامیر، ۱۰۴: ۱۴-۱۵». همچنین، هم در مزامیر و هم در قرآن، با کلیدواژه «وراثت» بر این مطلب تأکید شده است که زمین و تسلط کامل بر آن، به انسان‌های صالح خواهد رسید (مزامیر، ۳۷: ۲۹؛ ۱۳۵: ۱۲؛ ۶۹: ۳۶؛ قرآن کریم، انبیاء: ۱۰۵).

۳-۲. نهی از فساد و دعوت به اصلاح زمین و طبیعت

قرآن کریم همه انسان‌ها را به اصلاح بر روی زمین دعوت نموده و آنها را از افساد در آن منع کرده است: «وَأَتَقَسَّبُوا فِي الْأَرْضِ بِغَدِّ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۸۵؛ همچنین: اعراف: ۵۶؛ رعد: ۲۵؛ بقره: ۱۱). قرآن کسی را که نتیجه تلاشش فساد بر روی زمین و از بین بردن زراعت و دام است، منافق خوانده و این رفتار را یک ضد ارزش معرفی کرده است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَأُحِبِّ الْفَسَادَ» (بقره: ۲۰۵). ابن عباس در تفسیر این آیه، مراد از نسل را دام و اهلاک نسل را از بین بردن دام‌ها و بهایم عنوان کرده است (هواری، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۸۳). همچنین از نظر قرآن، فسادی که در خشکی و دریا پدید می‌آید، ناشی از اعمال انسان‌هاست: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۴۱). مفسرین سده‌های میانی اسلامی، مراد از فساد در دریا و خشکی را بلایا و نامالیمات طبیعی، چون طوفان، خشک‌سالی، شور بودن آب دریاها و بی‌حاصلی خاک بیابان‌ها، و مراد از اعمال انسان‌ها را شرک و ارتکاب گناهان دانسته‌اند (برای نمونه: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۸۰)؛ اما مفسرین معاصر به اموری چون بیماری‌های نوظهور، جنگ‌های هسته‌ای، ناامنی‌های گسترده و... نیز به‌عنوان مظاهر و مصادیق فساد در خشکی و دریا اشاره کرده‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۴۶؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۱۷).

حضرت داود علیه السلام نیز در مزامیر بر این موضوع تأکید کرده است که بلایای طبیعی، چون خشک‌سالی و قحطی، به‌واسطه اعمال فسادآلود انسان‌ها پدید می‌آیند: «او نهرها را به بادیه مبدل کرد و چشمه‌های آب را به زمین تشنه * و زمین بارور را نیز به شورزار؛ به‌سبب شرارت ساکنان آن» (مزامیر، ۱۰۷: ۳۳-۳۴).

۴-۳-۲. ارتباط بین انجام شعائر دینی و تعادل یا اختلال در عملکرد طبیعت

در منظومه مفاهیم قرآنی، ارتباط خاصی بین ایفای وظایف دینی با عملکرد پدیده‌های طبیعی وجود دارد. از نظر قرآن، تشکر از درگاه الهی برای نعمت‌های اعطایی و استفاده مناسب از آنها، موجب افزایش و وفور نعمت‌ها می‌شود و در نقطه مقابل، بی‌اعتنایی به ذات منعم و استفاده نابجا از نعمت‌ها، موجب از دست رفتن امکانات طبیعی و مجازات می‌گردد «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷). این قاعده به‌صورت مخصوص به بنی اسرائیل گوشزد شده است: «سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُدِلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره: ۲۱۱). از سوی دیگر، بخش قابل‌اعتنایی از آیات قرآن کریم به یادکرد عذاب‌های امم گذشته اختصاص یافته است که معمولاً این عذاب‌ها به‌شکل طغیان پدیده‌های طبیعی تبیین شده‌اند. داستان دو مرد باغ‌دار که محصول یکی از آنها به‌دلیل شریک قاتل شدن برای خداوند از دست می‌رود (کهف: ۳۲-۴۴) و اقوام دیگری که با وفور و بارش نعمات الهی مواجه بودند، اما به‌دلیل کفران نعمت و گناهان زیاد،

نعمت‌ها را از دست دادند (انعام: ۶؛ نحل: ۱۲)، نمونه‌هایی از این قاعده محسوب می‌شوند. در سوره اعراف تصریح شده است که اگر اهل یک دیار، ایمان و تقوا را سرلوحه اعمال خویش قرار دهند، برکات طبیعی از آسمان و زمین بر آنها نازل خواهد شد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)؛ اما اگر همچون مردمانی که در سرزمین سبأ زندگی می‌کردند، به انجام فرایض الهی بی‌اعتنا باشند، با خشم طبیعت مواجه خواهند شد. خشمی که برای قوم سبأ به صورت سیل رخ نمود (سبأ: ۱۶).

این بن‌مایه در مزامیر حضرت داود علیه السلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در چند موضع از مزامیر، به عذاب‌های طبیعی که دامنگیر دشمنان بنی‌اسرائیل شد، اشاره گردیده است؛ برای مثال، عذاب‌ها و نشانه‌هایی چون سرخی رنگ نیل؛ تلف شدن وسیع ماهی‌ها؛ حمله وزغ‌ها؛ بارش شدید تگرگ؛ آتش گرفتن گسترده زمین‌ها و مزارع؛ خشک شدن درختان و حمله ملخ‌ها و کرم‌ها؛ که به سراغ اهالی مصر آمد (مزامیر، ۱۰۵: ۲۹-۳۵). در فقره ۷۸ مزامیر نیز برخی از این عذاب‌ها این‌گونه ذکر شده‌اند:

که چگونه آیات خود را در مصر ظاهر ساخت و معجزات خود را در دیار صوعن؛ و نهرهای ایشان را به خون مبدل نمود، و از رودهای ایشان تا نتوانستند نوشیدند؛ انواع پشه‌ها در میان ایشان فرستاد که ایشان را گزیدند؛ و غوک‌هایی که ایشان را تباه نمودند؛ و محصول ایشان را به کرم صدیا سپرد و دسترنج ایشان را به ملخ داد. تاکستان ایشان را به تگرگ خراب کرد و درختان ایشان را به تگرگ‌های درشت؛ بهایم ایشان را به تگرگ سپرد و چهارپایان ایشان را به شعله‌های برق و آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد (۷۸: ۴۳-۴۹).

همچنین می‌توان به خشک شدن دریای قلزم (به معنای نابودی) که به واسطه دشمنی با بنی‌اسرائیل روی داد، اشاره کرد: «و بحر قلزم را عتاب کرد که خشک گردید. پس ایشان را در لجه‌ها، مثل بیابان، رهبری فرمود و ایشان را از دست دشمن نجات داد و از دست خصم‌رهای بختشید» (مزامیر، ۱۰۶: ۹-۱۱). در این داستان، فرعون و قومش در پی مخالفت با اوامر الهی و دشمنی با پیروان ادیان الهی، در دریا غرق شدند.

۳. مضامین مشترک در فقره ۱۰۴ مزامیر و آیات ابتدایی سوره نحل

بی‌تردید دردها، دغدغه‌ها، تعالیم و آموزه‌های مشترک ادیان، نقش کلیدی در فراهم‌سازی گفتمان میان ادیان دارد و در شکل‌گیری جامعه‌ای اخلاق‌مدارانه در میان انبای بشر بسیار اثرگذار است. در این بخش به‌عنوان ختام این پژوهش و با هدف برجسته کردن مضامین مشترک میان قرآن و عهد عتیق در موضوع محیط زیست طبیعی، مروری بر فقره ۱۰۴ کتاب مزامیر و مقایسه آن با آیات ابتدایی سوره نحل صورت می‌گیرد و به مشابهت‌های آنها اشاره می‌شود.

در آیه دوم سوره نحل «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ؛ فرشتگان خود را بادها می‌گرداند و خادمان خود را آتش مشتعل» و مزامیر، به ملائکه و نقش آنان در هستی اشاره شده است (مزامیر، ۱۰۴: ۴).

در آیه بعدی همین سوره (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ) به خلقت آسمان و زمین اشاره شده و در فقرة ۱۰۴ نیز در باب آفرینش زمین آمده است: «که زمین را بر اساسش استوار کرده تا جنبش نخورد تا ابدالآباد * آن را به لجه‌ها مثل ردا پوشانیده‌ای، که آب‌ها بر کوه‌ها ایستاده‌اند» (مزامیر، ۱۰۴: ۵-۶).

در آیات ۵ تا ۸ سوره نحل «وَاللَّيْلُ نَافِلَةٌ عَلَيْهَا لَمَّا خَلَّيْنَاكَ لَكُمُ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرَبِّحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ * وَتَحْمِلُ أَوْتَالَكُمْ إِلَىٰ بِلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِنَّ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَوُوفٌ رَّحِيمٌ * وَالخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْخَمِيرِ لِيُرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» از آفرینش بهایم و فواید آنها برای انسان سخن به میان آمده است و حمل بار، سوار شدن بر چهارپایان و لذت بصری مشاهده آنها، نعمت‌هایی به‌شمار رفته‌اند که برای انسان خلق شده‌اند. در مزامیر نیز به‌صورت کلی‌تر به این حقیقت اشاره شده است که بهایم و سبزه‌ها برای خدمت به انسان آفریده شده‌اند (مزامیر، ۱۰۴: ۱۴ و ۱۸).

آیات ۱۰ و ۱۱ این سوره «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ * يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» درباره آب، این نعمت بی‌بدیل هستی است، که از آسمان نازل می‌شود و همه موجودات هستی از رویدنی‌ها را سیراب می‌کند تا انسان‌ها از ثمرات آنها برخوردار شوند. در مزامیر نیز به چشمه‌ها و نقش سیراب‌سازی آنها برای حیوانات اشاره شده و جالب آنکه کلیدواژه ثمرات نیز در آن ذکر گردیده است: «که چشمه‌ها را در وادی‌ها جاری می‌سازد تا در میان کوه‌ها روان بشوند * تمام حیوانات صحرا را سیراب می‌سازند تا گورخران تشنگی خود را فروشانند * او از غرفات خود کوه‌ها را سیراب می‌کند و از ثمرات اعمال تو زمین سیر می‌شود» (مزامیر، ۱۰۴: ۱۰-۱۳).

در آیات بعدی سوره نحل، از روز و شب، آفتاب و ماه و ستارگان یاد شده است که به امر خداوند برای انسان مسخر شده‌اند (نحل: ۱۲). در مزامیر هم از هوشمندی آفتاب و ماه یاد شده است که هر یک جایگاه خود را می‌دانند و به‌وسیله آنها روز و شب خلق می‌شود (مزامیر، ۱۰۴: ۱۹-۲۳).

گوشت تر و تازه، زیورهای قابل استخراج (مانند در و مرجان)، و کشتی‌ها که سینه آب را می‌شکافند (برای تجارت و سفر)، از جمله فوایدی هستند که خداوند از مسخر کردن دریا برای انسان‌ها فراهم ساخته؛ در مزامیر نیز به بزرگی دریا و فراوانی موجودات آن اشاره شده است (مزامیر، ۱۰۴: ۲۵-۲۷).

نتیجه‌گیری

الهیات تطبیقی با توصیف و مقایسه ادیان می‌کوشد تا به شناخت غیرهنجاری و همدلانه و غیرکلامی ادیان نایل آید و پی‌ریز گفتمان میان آنها باشد. دستاورد این معرفت شریف، پژوهندگان را به این نتیجه می‌رساند که آموزه‌های ادیان، به‌ویژه در مباحث اخلاقی و عرفانی، اشتراکات بسیاری دارند. بر اساس بررسی‌های تطبیقی صورت‌گرفته در این پژوهش، قرآن و مزامیر عهد عتیق بن‌مایه‌ها و گزاره‌های مشترک متعددی در موضوع مقدس شمردن محیط زیست طبیعی، پاسداشت و حفاظت از آن دارند. هر موجودی در عالم طبیعت، نشان از خالق خود دارد و انسان‌ها به

تفکر و اندیشیدن در آفرینش طبیعت و نظام حاکم بر آن دعوت شده‌اند؛ نظمی که به‌طور یکپارچه بر هستی حکم‌فرماست و قوانینی که بر اساس تمایل خالق آن در آخرالزمان تغییر پیدا خواهند کرد. اگر بشر قداست و معنویت محیط زیست طبیعی خود را بشناسد که هرآینه تجلی پروردگار او، منعکس‌کننده وجود خداوند و واسطه برکت و لطف خدا برای عالم طبیعت است، حرمت آن را حفظ کرده، همانند پاره‌ای از جان خود از آن محافظت خواهد کرد. پیوند بین طبیعت و خالق به انسان یادآوری می‌کند که هر مخلوق خداوند چقدر گران‌بهاست و منهدم کردن ظالمانه هر موجودی، از نظر مبانی دینی کاری غیردینی و غیراخلاقی است. بر اساس دو متن مقدس، مقام خلیفه‌اللهی و تسخیر زمین، انسان را موظف می‌کند تا همراه با نظام طبیعت مسئولانه رفتار کند و ارزش ذاتی آن را بشناسد و امانت‌دار باشد. اصلاح و فساد طبیعت، دو راهی است که مقابل بشر قرار داده شده که نتایج هر کدام در آیات بسیار، برای مخاطبین تشریح گشته است. اصلاح طبیعت، زندگی آرامش‌بخش و سعادت‌مند را به ارمغان خواهد آورد؛ و افساد آن، خشم طبیعی پدیده‌های آفرینش را بر خواهد انگیخت. چه بسیار از پیشینیان، که با عدم رعایت شعائر الهی و ناسپاسی و زیر پا گذاشتن قوانین، گرفتار عذاب و خشم طبیعت شده‌اند. بر اساس گزاره‌های دو متن، وارثان نهایی زمین صالحان و شایستگان خواهند بود؛ شایستگی که به طبیعت به چشم نشانه پروردگار می‌نگرند و همواره در جهت حفظ و مراقبت از آن تلاش می‌کنند.

همچنین بر اساس نتایج به‌دست آمده، در بسیاری از موارد، به‌جز جهت‌گیری کلی و اشتراکات مضمونی، در میان عبارت‌های قرآن و مزامیر نیز، توارد و همانندی وجود دارد. این واقعیت می‌تواند فی‌الجمله گواه اصالت آسمانی مزامیر باشد.

- کتاب مقدس، ۲۰۰۲م، ترجمه قدیم شامل کتب عهد عتیق و جدید، چ سوم، انتشارات ایلام.
- کتاب مقدس (ترجمه قدیم) شامل کتب عهد عتیق و عهد جدید، ۲۰۰۲م، انگلستان، چ سوم، ایلام.
- انصاری، معصومه و فاطمه لاجوردی، ۱۳۹۱، «دین یهود و مسائل زیست محیطی»، *پژوهشنامه ادیان*، ش ۱۱، ص ۳۵-۵۲.
- آترمن، الن، ۱۳۸۵، *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- جهانگیر، عیسی، ۱۳۹۰، «محیط زیست و بحران آن؛ رویکردی قرآنی»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۳، ص ۶۳-۸۴.
- حیدری، حسین و فاطمه حاجی اکبری، ۱۳۹۳، «بن‌مایه‌های مشترک در مزامیر و احادیث مربوط به داوود^ع در متون اسلامی»، *معرفت ادیان*، ش ۳، ص ۴۵-۶۵.
- زروانی، مجتبی و فاطمه خداجویان، ۱۳۸۴، «پاسداری از محیط زیست در آیات و روایات»، *پژوهش دینی*، ش ۱۲، ص ۲۵۱-۲۶۶.
- سیدرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
- شایانی، عبدالرضا، ۱۳۹۲، «بررسی تطبیقی ارزش‌های اخلاق اجتماعی در قرآن و عهدین»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه علوم و فنون قرآن تهران.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی، تهران، ناصرخسرو.
- فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- فهیمی، عزیزالله و علی مشهدی، ۱۳۹۴، «نسبت دین و حقوق محیط زیست»، *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ش ۸، ص ۶۳-۸۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، تحقیق دارالحدیث، قم، دارالحدیث.
- مدرسی، محمدتقی، ۱۴۱۹ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین^ع.
- مزامیر داود*، ۱۳۸۹، ترجمه فاضل خانی، مقدمه سلیمان حکاکیان، چ دوم، تهران، انجمن کلیمیان تهران.
- معارف، مجید و عبدالرضا شایانی، ۱۳۹۴، «بررسی تطبیقی ارزش‌های اخلاق اجتماعی در قرآن و عهدین»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، ش ۳۵، ص ۱-۲۵.
- مک اولیف، جین دمن، ۱۳۹۲م، *ترجمه دائرة المعارف قرآن*، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران، حکمت.
- نصر، سیدحسین، ۱۳۹۳، *دین و نظام طبیعت*، محمدحسن فغفوری، تهران، حکمت.
- هلی، هنری، ۲۰۰۰م، *راهنمای کتاب مقدس*، ترجمه جسیکا باباخانیان و عیسی بدلیان، APK PUBLICATIONS.
- هواری، هود بن محکم، ۱۴۲۶ق، *تفسیر کتاب الله العزیز*، بی‌جا، دار البصائر.